



40th FAJR  
THEATRE FESTIVAL

ضمیمه چهلمین  
جشنواره تئاتر فجر

# ایران جشنواره



## تئاتر، جغرافیا و زیست انسانی

گفت و گو با

امین رضایی کارگردان نمایش

«آنتیگونه آخرین سامورایی»

مسعود صفری



خبرنگار

در مشهد با وجود پتانسیل‌های جوان و مستعد هیچ دانشگاه دولتی که در آن رشته تئاتر را ارائه بدهد، وجود ندارد. بنابراین معمولاً افراد به صورت تجربی و از طریق کارگاه‌هایی که قدیمی ترها برگزار می‌کنند، وارد تئاتر می‌شوند. خشت روی خشت، این سنت آموزشی، تئاتر مشهد را تبدیل به دیواری کرده است. هیچ جشنواره دانشگاهیان یا جریانی دانشجویی در آن نبوده که ناگهان جامپ کات بزند و نوآوری چندانی بکند. با این همه پر است از علاقه‌مندان به هنر. یکی از آنها امین رضایی کارگردان جوان اما پرکار است. ۱۰ سال از عمر حرفه‌اش گذشت اما حدود ۹ نمایش در کارنامه خود دارد. تحصیلات آکادمیک در تئاتر ندارد. در دانشگاه ریاضیات محض را تا مقطع کارشناسی ارشد خوانده اما هم‌زمان علاقه‌اش را در کارگاه‌های تئاتر جست‌وجو می‌کرده است. او معتقد است جشنواره باید جایی برای گفت‌وگو میان گروه‌ها باشد. با او درباره آخرین تجربه‌اش که در بخش رقابتی صحنه چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از مشهد حضور دارد گفت‌وگو کرده ایم.

■ قدری از خودت بگو؟ آیا ریاضیات تأثیری بر علاقات در هنر منم داشت؟

همزیستی عجیبی بود. ریاضی و هنر. منطق و فلسفه‌ای که در ریاضی تجربه کردم در این مسیر ۱۰ساله به شکلی جادویی سعی در تخریب چیزهایی در تجربه‌هایم کرده است. شاید همان چیزهایی که در تئاتر بی‌چیز به آن نیازی نداریم. همان چیزهایی که مدام حواس‌مان را پرت می‌کند. لذا من به این علم شیرین مدیون هستم. در این ۱۰ سال به عنوان نویسنده و کارگردان نمایش‌های ۲۰۲۱ فراموش‌شدگان، بیستون می‌تازد (برداشتی آزاد از داستان خسرو و شیرین نظامی)، سورنا، تئاتر موزیکال خدای جنگ (بر اساس نمایشنامه تیتوس اندرانیکوس شکسپیر)، نفت، مکتب، کشته شده، داستان سیاه مشت زنی به نام اتللو و آنتیگونه آخرین سامورایی را تجربه کرده‌ام.

■ پیش از این هم در جشنواره فجر بوده‌ای، درست است؟

بله، برای اولین بار در سال ۹۲ به

پردیس تئاتر مستقل مشهد است. تمامی بازیگران نمایش از هنرجویان آن کارگاه هستند و برای من بسیار اهمیت داشت تا آنها با فضایی مانند جشنواره رویه‌رو شوند تا تفاوت‌های زیست و جغرافیا را در گروه‌های نمایشی دیگر جست‌وجو کنند. جهان‌بینی آدم‌ها و دیدگاه‌های متفاوت شاید تنها چیزی باشد که برای گروه من حکم یک جادو را دارد. چرا که پیش از پیش ایمان می‌آوریم که چقدر از همه چیز کم می‌دانیم و چقدر هنوز نمی‌دانیم. نمایش را بر اساس ایده کشف وضعیت یا همان «استیتمنت» پایه‌ریزی کردم. دیگر فقط به سراغ الگوی موقعیت دراماتیک و ساخت اتمسفری خوشمزه و رنگین نبودم. بلکه به روشی فکر می‌کردم که می‌توانست برای هنرجوهایم فرایند درک هنر طرح مسأله را تسهیل کند. بازیگری بر اساس ژستوس مدرن و تحقیق روی پست برشت (آن هم با اندیشه‌هایی که از توماس اوستر مایر کارگردان آلمانی گره خورده بود).

■ پس جشنواره فجر دست کم در سال‌های پیشین تا حدی به طور غیر مستقیم فرصت گفت‌وگو را برای شما فراهم آورده، حداقل گفت‌وگو با اوستر مایر

برای من در تئاتر بیشترین چیزی که در حال حاضر اهمیت دارد شناخت ارتباط است نه فقط ارتباط. چیزی که در آنتیگونه به جست‌وجوی آن می‌پردازم آن است که مسیرهای متفاوت ارتباط را دوباره و دوباره طی کنم تا به این برسم که آیا در دنیای امروز، وزن کلمه اهمیت دارد یا احساسات و کنش روانی که در لحظه همراه با اکت فیزیکی

بیان می‌شود؟ چگونه در لحظه بین احساسات و هیجانات تمایز برقرار کنیم؟ آیا برشت روی احساسات تأکید داشت یا هیجانات؟ آیا تکرار کلمات با حالتی اجبار گونه زیست و وزن متفاوتی به کلمه نمی‌دهد؟ اصولاً زیست آدم تأثیری روی کلمات ندارد؟ اگر این‌گونه است با شکلی از ارتباط مواجه هستیم که کاملاً آخته و بدون پشتوانه است. همین لحظه که صحبت می‌کنیم آیا کهن الگوهایمان هنوز هم نفس می‌کشند یا با چیزهایی دیگر عوض شده‌اند؟ آیا انسان امروز ایرانی هنوز هم کهن الگوهای جغرافیای خودش را می‌شناسد؟ کهن الگوها مسیری ساده برای ارتباط با جامعه برای یک هنرمند تلقی می‌شود. شاید در تئاتر هر کارگردانی عاشقانه متنی را بستاید که سرشار از کهن الگوها باشد تا به راحتی با آدم‌های جامعه‌اش ارتباط برقرار کند. بدون واسطه. اما متأسفانه چیزی که یافت می‌شود فقط واسطه‌ها و تکنیک‌ها هستند. تمام این سوالات ایده اولیه طراحی آنتیگونه بود.

■ آیا در پروسه ایده دگرگون شد؟ در پروسه تمرین همه چیز دگرگون شد. این خاصیت یک کار گروهی است. حتی دیدگاه‌های فلسفی‌ام که در لایه‌های زیرمن جا خوش کرده بود بیرون غلغله و مدام حرکت کرد. فرامتن درگیر محتوای اجتماعی شدیدی شد. بازیگران با چیزی دست و پنجه نرم می‌کردند که هم می‌فهمیدند و هم نمی‌فهمیدند. چیزی را به نام ارتباط می‌دانستند اما نمی‌شناختند. می‌شنیدند اما نمی‌شنیدند. می‌دیدند اما نمی‌دیدند. این اتفاق برای من هم افتاد. هم‌زمان سوفوکل را بر اساس

نگاهش به خودکشی دوباره بررسی کردم و از طرف دیگر او را عاشق زندگی می‌دانستم. نوع نگاهش به جملات و تغییر آنها نسبت به استادش که آیسخولوس نام داشت. این تغییر نگاه محتوای متن را دگرگون کرد. محتواهایی همچون میل به تولید بی‌نظمی بیشتر...

■ نمایش در برگیرنده چه موضوعاتی است؟ آنقدر کلی است که در یک جمله خلاصه می‌شود؛ آیا برای زیستن باید قهرمان بود یا برای قهرمان شدن باید زیست؟ نمایش در محتوا کاملاً خودسرانه صفت قهرمان را از دست داده و او را صرفاً مبارز هر شکلی از سرنوشت می‌خواند البته با کمی هجو، در فرم شبیه به «استیتمنت» عمل می‌کند و صرفاً وضعیتی را شرح می‌دهد که اگر نباشد زیست امکان‌پذیر است اما بدون مقاومت، پس

زیبا نیست و از آنجایی که به واسطه نگاهمان به زیبایی مغلوب آن هستیم پس مقاومتی وجود دارد که از جنس زیستن نیست اما زیباییست. می‌گویم هجو چون لبخندی است که در عناصر اجرا وجود دارد از سر عادت است و بدون طعخم، نه تلخ از روی آگاهی.



این نمایشنامه‌ها به دنیای ما نزدیکتر هستند. چیزی که در نمایشنامه‌های مدرن بیش از پیش دیده می‌شود بحث تکنیک است و البته کاملاً طبیعی است. زیرا هنر امروزی در بیشتر مدیوم‌ها به شدت تکنیکال شده است.

■ به عنوان آخرین سؤال، از نظر شما تفاوتی هست میان زیست کسی که در خراسان است با مثلاً تهران؟ می‌خواهم بگویم فکرمی‌کنید اگر این نمایش در تهران تولید می‌شد باز هم این فرم را به خود می‌گرفت یا چه تفاوت‌هایی حاصل می‌شد؟

نمی‌توانم به این سؤال پاسخ بدهم ولی اطمینان دارم جغرافیا و زیست هر انسانی به انتخاب‌هایش جهت می‌دهد. اگر قرار باشد روی صحنه دست به انتخاب بزنم این انتخاب از شکل زندگی و جغرافیا و آموزش من می‌آید. به عقیده من بیشترین چیزی که روی انتخاب‌های ما مؤثر است آموزش هست و طبعاً آموزش در این دو شهر متفاوت است. همان‌طور که با اروپا متفاوت است. لذا آدمی که در مشهد زندگی می‌کند شکلی از راهی را تجربه کرده و آدمی که در تهران زیست می‌کند شکلی دیگر. پس حتی در ژست و میزانشن هم متفاوت می‌شود. اصولاً اعتقاد دارم هر بازیگری بر اساس احساسات و فیزیک و در نهایت جهان‌بینی‌اش به جنسی از ژست و در نهایت به میزانشن می‌رسد. لذا میزانشن برای همه یکسان است اما چگونگی انجام‌دانش متفاوت می‌شود و این تفاوت ریتم را تغییر می‌دهد. پس ما اساساً با نمایشی متفاوت روبه‌رو می‌شویم. این یک امر بدیهی است.

در این نمایش به موضوعاتی همچون اختلاف جنسیتی در جامعه، روابط پدر و پسر، عشق افسارگسیخته و نقش مردم در کنش‌های اجتماعی و اخلاقی سرک کشیدیم.

■ در نمایش بازیگران به زبانی صحبت می‌کنند که به نظر می‌آید تقلیدی از آواهای زبان ژاپنی است، این ایده از کجا آمد؟

در نمایش بازیگران به زبانی صحبت می‌کنند که خودم ساختم. چیزی شبیه به آواهای ژاپنی یا همان آهنگ کلام این ایده بر این اساس شکل گرفت که آیا ما بر اساس شناخت کلمات با هم ارتباط برقرار می‌کنیم یا بر اساس ژست و احساس پشت آن.

■ قدری درباره نمایشنامه حرف بزنیم، در کارنامه کاری امین رضایی هم مکتب هست هم آنتیگونه، از رویکرد خودت به نمایشنامه‌های کلاسیک بگو؟ چه نسبتی هست میان نمایشنامه‌هایی که صدها سال قبل نوشته شده‌اند با اکنون؟

من عاشق نمایشنامه‌های کلاسیک هستم. شاید بخشی از این علاقه در این باشد که آنقدر درباره آنها گفته‌اند که ساده‌تر می‌شود درباره آنها تحقیق و پژوهش کرد. نکته دیگر این نمایشنامه‌ها طرح و پلات قدرتمند آن‌هاست. یک فونداسیون قوی برای مظلومی انتخابی بر اساس زیستی که از جامعه خودمان داریم. ما هم در یک جامعه کلاسیک زندگی می‌کنیم لذا

مغتنم برای بهبود روابط سیاسی دانست و افزود: ارتباطات فرهنگی با کشورهای دیگر برای هر کشوری بسیار کارساز است و حتی می‌تواند به بهبود روابط سیاسی اثرگذار باشد. ولی وقتی شرایط حداقلی است، ما هم به همان حداقل رضایت دادیم. ضمن اینکه کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند بعد از فروکش کردن کرونا، بار دیگر با اوچگیری سویه تازه این ویروس روبه‌رو شویم. مسافر آستانه ادامه داد: در این شرایط، در همین

بین‌الملل به عنوان یک ظرفیت، حیف است که قطع شود. در دوره گذشته هم بسیار جست‌وجو کردم تا به منظور ایجاد هرگونه ارتباط فرهنگی، این بخش را حتی به شکل محدود داشته باشیم ولی پارسل هیچ‌کشوری فعالیت تئاتری نداشت، اما از آنجا که امسال بسیاری از کشورها فعالیت‌های نمایشی خود را تا حدودی از سر گرفته بودند، تلاش کردیم بخش بین‌الملل را داشته باشیم. این مدیر هنری، ایجاد ارتباطات بین‌الملل را فرصتی

دریافت نکردیم. گروه ایتالیا نمایش خود را برای شرکت در جشنواره فجر تولید می‌کرد زیرا اجرای تئاتر در این کشورها هنوز هم با محدودیت‌های بسیار همراه است. به همین دلیل بعد از منتفی شدن سفرشان، پروژه‌های اجرایی خود را متوقف کردند.

مسافر آستانه در پاسخ به این پرسش که بهتر نبود با توجه به شرایط مبهم امسال، همچون سال گذشته از بخش بین‌المللی جشنواره چشم‌پوشی می‌کردیم، توضیح داد: بخش

به دلیل اوچگیری دوباره کرونا

اجرای آثار ایتالیا و فرانسه در جشنواره تئاتر فجر لغو شد

جولان دوباره ویروس کرونا سبب شد اجرای آثار دو کشور فرانسه و ایتالیا در چهلمین جشنواره تئاتر فجر منتفی شود. حسین مسافر آستانه، دبیر چهلمین جشنواره تئاتر فجر در پاسخ به ایسنا درباره اجرای نمایش‌های بین‌المللی این دوره از جشنواره هم‌زمان با اوچگیری سویه جدید کرونا، توضیح داد: اجرای دو نمایش از ایتالیا و فرانسه لغو شد زیرا

اخبار  
جشنواره



خواهد بود. پیش از این هم کارگاه آموزشی روی فراتی، کارگردان فرانسوی در این دوره از جشنواره به دلیل وجود همین محدودیت، منتفی شد.

حد هم که بتوانیم ارتباطات فرهنگی خود را با دیگر کشورها حفظ کنیم، غنیمت است چون به هر حال وجود همین ارتباطات محدود از قطع کامل آن، بسیار مفیدتر